

پیامک و تلفن همراه ، پدیده ی پر کاربرد ارتباطی

محمد علی چراغی

عصر تنهایی عمیق بشر ،
بین صدها رفیق، عصری که ،
با وجود هزارها همراه ،
دوره ی انقراض همراه است .
ما در این عصر بره ای هستیم ،
که اسیر طلسم چوپانیم .
بره ای که به محض آزادی ،
اولین مقصدش چراگاه است .
بره ای که هوا نمی خواهد ،
هیچ چیز از خدا نمی خواهد ،
بره ای که نهایت هدفش ،
گله از وضع نوبت کاه است .
« دوستت دارم » ، این همان رازی است ،
که جهان را نجات خواهد داد .
« دوستت دارم » ، این همان اسبی است ،
که سوارش همیشه در راه است .
ای چراغ همیشه روشن عشق !
باش تا صبح دولتت بدمد .

مخابرات هم مثل اکثر پدیده های روز جامعه - از بازتاب خبرها و گزارش های آن در مطبوعات که بگذریم - وارد ادبیات هم شده است. پیام کوتاه یا پیامک (SMS) به عنوان یکی از مقولات مخابراتی، افزون بر این که وسیله ی ارتباطی بسیار ساده و ارزان برای مردم است، وسیله ی تفنّن دارندگان تلفن همراه، به ویژه جوانان هم شده و خود، نوعی حوزه ی ادبی فناورانه الکترونیک ایجاد کرده است. و از سوی دیگر همین مقوله و بعضی مقولات دیگر مخابرات وارد شعر و ادب مکتوب و روزنامه ای هم شده است.

به چند مورد توجه فرمایید ، که بعضا رگه هایی از طنز نیز دارد :

عصر ،

عصر پیام کوتاه است (۱)

عصاره ی این شعر ، در عنوانی که برای آن برگزیده ایم ، آمده است

: عصر ، عصر پیام کوتاه است :

گفتن این که دوستت دارم ،

اولین راه و آخرین راه است .

ای فدای بلندی قدت ،

عصر عصر پیام کوتاه است !

آی کسی که یه دم داری، چیزی بلوتوث می کنی!

والا بده، گنده شدی، هی خودتو لوس می کنی!

آی کسی که خیلی سوسول، یه خورده ای هم خفنی!

هم می شینی رو صندلی، صد تا اس ام اس می زنی

جون تو نه، جون خودم، خسته شدم، دلواپسم .

می خوام که اشغال بزنی، چون که گرفته نفسم .

بی معرفت یه عمریه، همیشه همراه توام .

حتی اگه بهم بگی، نمی شه، همراه توام .

« تنها صداست که می ماند » (۳)

در شعر زیر به موضوع آهنگ هایی که صاحبان گوشی های تلفن همراه ، به جای زنگ تلفن ، یا پیامک ، روی گوشی هاشان گذاشته اند ، پرداخته شده است و اشاراتی به برخی آهنگ ها و ترانه هایی دارد که شهره ی عام اند . مجلس ، محفل و یا مکانی مثل اتوبوس را در نظر بگیرید که جمعی نشسته اند ، و لحظه لحظه صدای زنگ ، یا همان نوای آهنگ گوشی تلفن همراه یکی از حاضران به گوش می رسد :

• همه نشسته اند: صم بکم (صمن بکم)

گاهی از گوشه ای صدایی گم ،

که شبیه صدای آدم نیست ؛

بشکنند شیشه ی سکوت همه:

« دیریم، ریم، دام دارام.»

یعنی: خاطر خواه، می دونی

خاطر خواتم و آا به مولا ...»

دست در جیب می کند جوانک خاطر خواه ،

تو، در این عصر خوشتری ؛ زیرا

ماه پیش ستاره ها ماه است .

زنگ و آهنگ تلفن همراه (۲)

در شعر زیر که به زبان محاوره ای سروده شده ، رگه هایی از طنز پیرامون تلفن همراه آمده است و البته زبان حال یگ گوشی تلفن همراه و درد سرهای دارندگان تلفن ، چه تلفن همراه یا ثابت ، است :

دلَم می خواد نیم ساعتی، هی بوق آزاد بزنی .

کاشکی می شد از ته دل، جیغ بزنی، داد بزنی .

کاشکی می شد حافظه ام، پر بشه از عشق و امید .

شماره ها کهنه شدن، بیاد شماره ای جدید .

همرا هتم صب (ح) تا غروب، غصه ی تو رو دوشمه .

صدای مهربون تو، همیشه توی گوشمه .

تو جاده های عاشقی، رابط عشق تو، منم .

درد دلاتو می شنوم، اما چه قرصه دهنم!

برای من یه عالمه، آدم خوب صف می کشن .

یکی، دو تا نیستن عزیز، دم به ساعت زنگ می زنی .

بعضیا که مزاحمن، فوت می کنن تو گوش من .

عقده های چن ساله رو، شوت می کنن تو گوش من .

بعضیا لعنت می کنن، بعضیا نفرین می کنن .

بعضیا تهدید می کنن؛ اون می کنن، این می کنن!

بعضیا اما مثل تو، همیشه عاشقن، گلن .

کی گفته عاشقا همه، دیوونه ان، خیلی خلن!؟

